دیدگاه

فمینیسم و آرزوی مادری زنان

ادامه از صفحه اول

(De Beauvoir, ۱۹۷۵:۱۲)

«بتی فریدان» یکی دیگر از سردمداران جنبش فمینیسم در غرب، خانه سنتی را به اردوگاه کار اجباری تشبیه می‌کرد که زندانیان آن، زنان خانه‌داری هستند که به‌وسیله نیروی زنانگی، شست‌وشوی مغزی شده‌اند و دیگر به طور کامل انسان نیستند. (Friedan, ۱۹۶۳:۷۵) «کیت میلت» که از فمینیست‌های افراطی و همجنس‌گراست، می‌گوید: «خانواده نهادی ستمگر است، زنان ملِک مردان و برده صرف هستند و خود خانواده سازمانی فئودالی است که برای جامعه‌پذیری جوانان جهت نظم جامعه‌ای بزرگ‌تر، طراحی شده است. خانواده باید از بین برود و مراقبت از کودکان به طور قطع بهتر است به جای افراد آزرده و اغلب ناخرسند (والدین)، به کارورزان کاملاً تعلیم‌دیده از هر دو جنس واگذار شود». (Millett, ۱۹۷۰:۸۹)

نتیجه منطقی این فرآیند در جهان، بویژه در دنیای غرب، زوال خانواده است و دیگر کمتر کسی حاضر به تشکیل خانواده است. اینگونه است که امروز در غرب زندگی زناشویی در چارچوب خانواده جای خود را به زندگی دوستانه و گروهی در کنار هم داده است. «آندره میشل» که خود یکی از نظریه‌پردازان فمینیست است در گزارش یونسکو اعلام می‌کند شمار فزاینده‌ای از مردان و زنان بیرون از قاعده ازدواج زندگی مشترکی دارند. این حالت در اروپا بیشتر مشاهده می‌شود؛ در فرانسه ۱۰ درصد از زوج‌ها (حدود یک میلیون زوج) در دایره اینگونه خانواده‌ها قرار دارند. در نروژ و دانمارک نیز از هر ۱۰ زوج ۳ الی ۴ زوج زندگی مشترک دارند. (Michel: ۱۹۹۵) از سال ۱۹۶۰ روند زوال خانواده و فروپاشی آن بشدت سرعت گرفت و تعداد زوج‌های همزیست بدون ازدواج در آمریکا ۱۵ برابر شده است (Edwards, ۲۰۰۸) و وظیفه بقای نسل نیز به عهده دستگاه‌ها و لوله‌های آزمایشگاهی گذاشته شده و بچه به عنوان کالای صنعتی از بیمارستان خرید و فروش می‌شود و کارکرد رشد و جامعه‌پذیری کودک نیز توسط مراکز آموزشی و مهدهای کودک انجام می‌شود و تنها چیزی که مورد توجه قرار نمی‌گیرد پرورش روانی و عاطفی کودک است و بالاخره اینکه بشر امروز تمام نیازهای خویش را در بیرون از خانواده جست‌وجو می‌کند. (گاردنر، ۱۳۸۷:۸۴)

هم‌اکنون حلقه مفقوده حل بحران غرب به اذعان خودشان بازگشت به خانواده و خانواده‌محوری است. غربی‌ها که بحران معنا را در زندگی خود احساس می‌کنند به این حقیقت رسیده‌اند که کلید رهایی از این جهنم خودساخته، آرامشی است که در زیر سایه کانون گرم و صمیمی خانواده حاصل می‌شود. در یکی از نظرسنجی‌هایی که توسط موسسه گالوپ انجام شده، ۷۸ درصد زنان مورد مصاحبه خانواده را مهم‌تر از اشتغال دانسته بودند و در نظرسنجی دیگری از همین موسسه افرادی که روی وابستگی‌های دیرین و سنتی خانواده تاکید کرده بودند ۹۴ درصد بودند. در یک نظرسنجی دیگر توسط مجله گلوب‌اندمیل ۷۶ درصد زنان معتقد بودند اشتغال زنان باعث قربانی شدن آرامش و آسایش فرزندان شده است.

ب- زنان و آرزوی مادری

یکی از پیامدهای نحس جنبش دفاع از حقوق زنان در غرب، سلب آرزوی مادری به عنوان یک حق از زنان است. از آنجا که فمینیست‌ها با هرگونه از اشکال وابستگی زنان به مردان مخالف بوده و از ابتدا در جست‌وجوی کسب استقلال زنان برآمدند، در کتاب‌ها و مانیفست‌های خود بشدت به مقولاتی چون ازدواج، حاملگی، مادری، خانه‌داری و... تاخته و زنان را از نزدیک شدن به آنها بر حذر می‌داشتند. «جسی برنارد» چهره نام‌آشنایی از سران فمینیسم است که در کتاب «دنیای زنان» با تقسیم ازدواج به «ازدواج فرهنگی» که برای زنان جنبه آرمانی دارد و «ازدواج نهادی» که در واقعیت وجود دارد، ازدواج از نوع دوم را به نفع مردان و به ضرر زنان می‌دانست و خواستار رهایی زنان از آن بود. وی می‌نویسد: «ازدواج برای مردان خوب و برای زنان بد است و تأثیر نابرابر زناشویی روی ۲ جنس، زمانی متوقف خواهد شد که زن و شوهر از قید و بندهای نهادی رایج رهایی یابند و ازدواجی را در پیش گیرند که با نیازها و شخصیت‌شان بهترین همخوانی را دارد». (Bernard, ۱۹۸۱:۱۲۵)

«سیمون دوبووار» که تولید مثل را بردگی می‌خواند، در این زمینه معتقد است: «به یاری آبستنی مصنوعی، تحولی کمال می‌پذیرد که به بشریت اجازه می‌دهد بر کار تولید مثل تسلط یابد. این تغییرها، بویژه برای زن اهمیت فراوان دارد و زن می‌تواند تعداد آبستنی‌ها را محدود کند. از روی عقل آنها را جزئی از زندگی خود کند، نه اینکه برده آنها باشد». (De Beauvoir, ۱۹۷۵:۱۵۲)

«شولامیث فایرستون» نیز در طرح خود به نام «دیالکتیک سکس» می‌نویسد: «اولین تقاضاهای نظم اجتماعی فمینیستی آن خواهد بود که به هر وسیله ممکن، زنان را از شر بیولوژی تولیدمثل نجات دهند». (Firestone, ۱۹۷۰:۱۶۷) اکثر نظریه‌پردازان فمینیسم رادیکال معتقدند زنان حق پایان دادن به بارداری خود یا سقط جنین را دارند و این امری شخصی و مربوط به خود زن است، نه دولت. (مشیرزاده ۱۳۸۵:۲۸۶) «بتی فریدان» با دفاع از سقط جنین، آن را «حق جوهری غایی زنان» می‌خواند (Friedan, ۱۹۶۳:۱۴) و «مری دیلی» می‌گوید همه تلاش فمینیست‌ها باید مصروف ایجاد جامعه‌ای شود که در آن مشکل سقط جنین وجود نداشته باشد. (Daly, ۱۹۶۸:۴۱)

این نظریات افراطی باعث ایجاد شرایطی در غرب شده است که طی آن امروز در کشورهای غربی بسیاری از زنان از وسایل پیشگیری بارداری استفاده می‌کنند، عده‌ای دیگر سقط جنین را به عنوان یک حق پذیرفته‌اند یا تکنولوژی‌های جدید تولید مثل (IVF) را به عنوان ابزاری مفید و آخرین وسیله بارداری می‌پندارند. همچنین به گزارش آمارهایی که توسط مراکز غربی منتشر شده است، سال ۲۰۱۵ بیش از یک میلیون مورد سقط جنین در آمریکا انجام‌شده است و به ازای هر هزار زن در انگلستان ۱۴ درصد، در سوئد ۱۹ درصد و در کانادا ۲۸ درصد سقط جنین انجام داده‌اند.

اما با این وجود در کشورهای غربی همواره زنانی بوده‌اند که در آرزوی مادری کردن و بچه‌دار شدن بوده و حق خود می‌دانند که به دور از هرگونه تحقیر و مانعی به مادری کردن و خانه‌داری بپردازند. نمونه بارز این ادعا خانم «کارولین گراگلیا» یکی از زنان حقوقدان در کشور آمریکاست که به‌رغم طی مدارج علمی و اجتماعی بالامرتبه، شغل خانه‌داری را برای خود انتخاب کرده و معتقد است تنها کافی است طبق تمهیدات اجتماعی، به زنان اجازه داده شود نقش‌های زیستی خود را بخوبی و بدون مانع ایفا کنند و تنها در این شرایط است که آنان به موفقیت دست پیدا می‌کنند. (Graglia, ۱۹۹۷:۷۶)

بسیاری از زنان و دختران انقلاب جنسی که از ایده فمینیست‌ها درباره تولید مثل استقبال کردند، امروز مشتریان پروپاقرص کلینیک‌های باروری هستند و هزاران دلار پول خرج می‌کنند تا بچه‌دار شوند و زمان از دست رفته را بازگردانند. برای این زنان تولید مثل یک امر بازدارنده و مانع پیشرفت نیست، بلکه یک آرزوی دست‌نیافتنی است. (Stolba, ۲۰۰۲)

منابع

مشیرزاده، حمیرا.(۱۳۷۴). از جنبش تا نظریه اجتماعی. تهران: شیرازه.

-Bernard, Jessie. (1981). «The Good Provider Role: Its Rise And Fall». American Psychologist.

-De Beauvoir, Simone, (1975) «Sex, Society And The Female Dilemma: A Dialogue Between Simone De Beauvoir And Betty Friedan,» Saturday Review.

-De Beauvoir, Simone. (1949). «The Second Sex». Translated By H.M. Parsley. N.Y: Vintage Book.

-Firestone, Shulamith, (1970). «The Dialectic Of Sex» In: Linda Nicholson (Ed.), The Second Wave, New York And London: Rutledge,

-Friedan, Betty. (1963). "The Feminine Mystique". N.Y: Dell.

-Graglia, F. Carolyn. (1997). »Domestic Tranquility« London: Rutledge.

-Michel, Andrea, (1995). "Report ON Marriage", Enesco, Vol 230

-Millett, Kate. (1969). "Sexual Politics". Garden City, N.Y: Doubleday

-Oakley, Ann, (1976). Woman's Work: The Housewife, Past And Present, New York: Vintage Books.

-Stolba, Christine. (2002), «Overcoming Motherhood: Pushing The Limits Of Reproductive Choice». Policy Review.

نگاه امروز

«ملی‌گرا» شهدا بودند

ادامه از صفحه اول

در کدام‌شان، اندک احترامی برای «بابااکبر»ها گذاشته‌اند؟! و مگر جز این است که مترصد بهانه می‌گردند تا «راهیان نور» را بزنند؟! آیا مقصد راهیان نور، جایی جز فکه و شلمچه و طلاییه و دوکوهه است؟! و آن‌روز که در زمان دولت موسوم به اصلاحات- الا انهم هم المفسدون!- فرهنگ شهادت را «خشونت‌بار» خواندند و حتی از ضرورت تجدیدنظر در عبارات زیارت عاشورا نوشتند، آیا ما به این معنی «رزمنده مدافع حرم» داشتیم؟! و آیا آن‌روز که شهدا را قیاس با «فرزندان وحشی قوم آتیلا» کردند هم «شهید مدافع حرم» داشتیم؟! بنابراین ذهنیت و اعتراض جماعت، به ذات و به فلسفه شهادت است، نه فقط به شهدای مدافع حرم! این شهدا صدالبته، تنها مدافع حرم اهل بیت نیستند، بلکه مدافع حریم امن و امان وطن هم هستند! تا فی‌المثل، مراسم اهدای سیمرغ به برگزیده‌های جشنواره فیلم فجر در امنیت کامل برگزار شود! تا باقیمانده ستون‌های تخت جمشید، به سرنوشت آثار و ابنیه تاریخی شهرهای شام دچار نشود! بگذار روشن کنم جماعت را! اینان در وهله اول، بویی از «ملی‌گرایی» نبرده‌اند! ملی‌گرایی، به پرستش فلان شاه از قضا موحد نیست! و به طواف بر گرد مزار کورش نیست! و به همخوانی شعار «ایران، ای سرای امید» نیست! و به تبریک عید باستانی نیست! که می‌بینی حتی اوبامای سیاهکار واضع تحریم هم، نوروز را به ملت ایران تبریک می‌گوید! ملی‌گرایی به آن است که بروی در بیرون مرزها با دشمنی بجنگی که چشم طمع به امنیت ملت تو دارد و او را همانجا متوقف نگه داری تا بلایی که بر سر ناموس عراقی و سوری آمد، بر سر ناموس هموطن عزیز تو نیاید، ولو آنکه آن هموطن، لزوما هم مثل تو فکر نکند! و این همه را در حالی انجام بدهی که ۳ فرزند قد و نیم‌قد داری و یکی هم در راه، که چند ماه بعد از شهادتت، دنیا بیاید! آری! ملی‌گرا یعنی «محمد بلباسی» که از زن و فرزند و زندگی و جان شیرین گذشت برای امنیت ملت! و الا بیا صبح تا شب، با هم سرود «ای ایران» بخوانیم! ما اما حواس‌مان جمع است به مطالبی که می‌نویسیم! حماسی‌ترین و باشکوه‌ترین سرودها را برای ایران و ایرانی، شهدا می‌خوانند، با قطره‌قطره خون‌شان! آنجا که رقص‌کنان به زمین می‌افتند اما به آسمان می‌روند! اشک و آه و نگاه آخرین فرزند شهید محمد بلباسی یعنی آخرین درجه ملی‌گرایی! که از بدو تولد، محروم باشی از سایه پدر! از چشمان این طفل معصوم، حیا نمی‌کنند بعضی‌ها؟! من اما خوب می‌دانم از چه دارند می‌سوزند جماعت! از اینکه ملت، همیشه احترام شهدا و خانواده شهدا را داشته، به‌رغم منورالفکران! عمری شعار دادند؛ «بسیجی واقعی، همت بود و باکری» اما ملت، در نگاه نافذ و معنی‌دار «محسن حججی» هم «همت» را دید و هم «باکری» را! پس قاسم سلیمانی، سیاستمدار نیست که امروزش با دیروزش نخواند! او شهادتمدار است و ولایتمدار! و تو نمی‌توانی فقط حاج‌قاسم دیروز را قبول داشته باشی! حاج‌قاسم یک جریان زنده است؛ یک رود ممتد! و ایضا همت و باکری و چمران و باقری! دیروز کاوه یعنی امروز حججی! دیروز بروجردی یعنی امروز بلباسی! دیروز شهدای دفاع‌مقدس یعنی امروز شهدای مدافع حرم! و تنها کسانی به شهید امروز اهانت می‌کنند که دیروز هم حرمت شهدا را نگه نمی‌داشتند! من تشکر می‌کنم در این متن از همه ستاره‌ها و سلبریتی‌ها و مشهورین که در این سالیان اخیر، به‌رغم بعضی همکاران خود، نشان دادند اهل وجدان هستند و انصاف! لیکن اگر همه بازیگران و همه سینماگرها و همه فوتبالیست‌ها و اصلا و اساسا همه این مردم نازنین، خودشان را مدیون خانواده شهدا بدانند یا حتی ندانند، ما باز هم نیک می‌دانیم که طلبی از کسی نداریم! آن راه سراسر افتخار را پدران ما خود انتخاب کردند و ما اگر چه، مفتخر به آن مردان بزرگ هستیم اما خوب می‌دانیم که «مکتب شهادت» محل فخرفروشی نیست! ما خود را به این انقلاب و این رهبر انقلاب و این مردم، از همه بدهکارتر می‌دانیم! ما از پدران‌مان آموخته‌ایم که هر چقدر هم برای این مردم دوست‌داشتنی کار کنیم، باز هم کم است! این نگاه ماست و نگاه همه خانواده شهدا من‌جمله خانواده شهدای مدافع حرم است! حالا اگر خانم کارگردان، هنوز هم شک دارد که آیا حججی و بلباسی «شهید» حساب می‌شوند یا نه و اگر آن دیگری، سرزمینی که برای ذره‌ذره خاکش، خون «بابااکبر»ها ریخته شده را بدون حتی گرفتن یک جایزه، می‌فروشد به اجنبی، فدای سر ملت عظیم‌الشأن ایران که در مواجهه با صبر و بصر خانواده شهدا، همیشه فروتن بوده‌اند و خاضع! قدرمسلم، ما قدردان قدرشناسی‌های این ملت نستوه هستیم! زنده‌باد ایران و ایرانی! یا علی!

www.vatanemrooz.ir

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشگاه ارومیه در نظر دارد مناقصه عمومی تعمیرات ابنیه در سال ۱۳۹۷ واقع در پردیس نازلو، پردیس دانشگاهی، دانشکده های هنر، ادبیات، کلینیک دامپزشکی و خوابگاههای پردیس شهر- دانشکده فنی مهندسی خوی- مرکز آموزش عالی شهید باکری میاندوآب بشماره۲۰۰۹۶۹۰۳۳۰۰۰۰۰۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهادمناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۹۶/۱۲/۲۳ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۹ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۷

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۹ روز شنبه تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۸

زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۲/۳۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۹

اطلاعات تماس با دستگاه مناقصه گزار: شماره تلفن ۳۲۷۷۵۵۷۶ امور پشتیبانی و نیز ۳۱۹۴۲۳۳۷ آقای مهندس حسینی و یا ۳۱۹۴۲۹۳۷ امور قراردادها تماس حاصل فرمایید.

هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه است.

سپرده شرکت در مناقصه: ۲۶۱۰۰۰۰۰۰ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی یا سررسید سه ماهه در وجه دانشگاه تهیه فرمایند. در غیراینصورت از دور مناقصه حذف خواهید شد.

برآورد اولیه: ۵/۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱۴۱۹۳۴

دفتر ثبت نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

شناسه آگهی: ۱۵۵۳۱۵

۳۰۰

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری کرج

شهرداری کرج در نظر دارد با توجه به بودجه مصوب شورای اسلامی شهر پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح عملیات	مبلغ اعتبار به ریال	مبلغ سپرده به ریال	رتبه	میزان غیرنقدی
۱	اجرای عملیات مرمت و لکه گیری آسفالت در سطح شهر (مرکزی)	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	داشتن حداقل رتبه ۵ راه و ترابری	۸۹ درصد

۱- سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد. ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر. ۲- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳- شهرداری کرج در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. ۴- مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ نزد بانک شهر شهرداری واریز و رسید آنرا ارائه نمایند. ۵- متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی جهت خرید اسناد مناقصه به اداره امور قراردادها و پیمانها واقع در میدان توحید- بلوار بلال شهرداری کرج طبقه هفتم مراجعه نمایند. ۶- در هر صورت مدارک مندرج در اسناد مناقصه ملاک فروش اسناد و متعاقباً عقد قرارداد خواهد بود. ۷- توضیح اینکه به غیر از سپرده شرکت در مناقصه کلیه اسناد و مدارک مربوط به پیمانکاران شرکت در مناقصه نزد شهرداری باقی می ماند. ۸- لازم به ذکر است هنگام خرید اسناد داشتن رتبه مربوطه و ارائه تاییدیه صلاحیت در سایت oldpmn.mporg.ir و یا sajar.mporg.ir، معرفی نامه ممهور به مهر و امضای مدیرعامل، روزنامه آخرین آگهی تغییرات اعضای شرکت، کد اقتصادی و گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر الزامی میباشد.۹- شرکت کنندگان در مناقصه می بایست کلیه فرمها و اطلاعات مورد درخواست شهرداری را تکمیل و به همراه سایر اسناد مناقصه در پاکت مربوطه قرار دهند. ۱۰-سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.۱۱- پیشنهادات می بایست در پاکتهای مجزا (الف-ب-ج) لاک و ممهور به مهر شرکت شده و پس از الصاق هولوگرام بر روی پاکت ب و ج تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۶/۱۲/۲۷ به آدرس کرج-میدان توحید – بلوار بلال دبیرخانه شهرداری کرج تحویل داده شود. ۱۲-پیشنهادات رسیده در مورخ ۹۶/۱۲/۲۸ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج(دفتر شهردار) راس ساعت ۸ مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد .

در ضمن هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه میباشد.

* جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۶-۳۵۸۹۲۴۴۳-۳۵۸۹۲۴۱۸ تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمائید.

اداره امور قراردادها و پیمانها - شهرداری کرج

۲۷۸